

رویه های قضایی مرتبط با مستثنیات دین

سید مهدی حججی^۱، علی فقیه حبیبی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی واحد الکترونیکی دانشگاه آزاد اسلامی.

^۲ استاد دانشگاه.

نام نویسنده مسئول:

سید مهدی حججی

چکیده

ببررسی با مفهوم و مبنای شرعی و حقوقی و مصادیق مستثنیات دین و آئین رسیدگی به آن آشنا شدیم اما به لحاظ پراکندگی قوانین و شیوه ناصحیح قانون نویسی در این مقاله نمونه هائی از آراء و مشاوره های تلفنی و نشست های قضائی قضات محاکم دادگستری و مشاوره ای تلفنی که از طریق سامانه تلفنی ۱۲۹ ضبط گردیده جهت عینیت بخشیدن مباحث گذشته بیان می گردد که قطعا با مطالعه این فصل به این نتیجه خواهیم رسید که عدم وجود قوانین مناسب تر ایجاد دوگانگی و تشتت آرا را به همراه خواهد داشت.

واژگان کلیدی: مستثنیات دین، رویه های قضایی، دامنه شمول.

مقدمه

همانطور که گفته شد مدلول کلیه اسناد رسمی راجع به دیون و سایر اموال منقول بدون احتیاج حکمی از محاکم عدلیه به استناد ماده ۹۲ قانون ثبت اسناد و املاک لازم الاجرا است به همین خاطر نمونه ای از رأی صادره از اداره اجرای اسناد رسمی تهران در برخورد با توقیف ودیعه مسکن و اظهار نظر شخصی معاونت اجرا عیناً تقدیم که با بیان این رای قطعاً به برخورد سلیقه ای این اداره با مقوله مستثنیات دین پی خواهید برد.

در پرونده م. غ مطروحه در اداره اجرای اسناد رسمی ودیعه مسکن زوج توسط وکیل زوجه توقیف گردید زوج طی لایحه ای به صرفاً دارائی خود در مورد ودیعه مسکن اشاره که پرونده جهت اظهار نظر و تصمیم گیری به معاونت اجراء جهت تصمیم گیری تقدیم که مشارالیه نظریه ذیل را که عیناً تقدیم می گردد ابراز می دارد:

به: آقای ب.ح وکیل خانم م. غ

بنشانی: تهران

از: اداره پنجم اجرای اسناد رسمی تهران

بدین وسیله نظریه معاونت محترم اجرا مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۰۹ به شما ابلاغ می گردد «در خصوص مورد گزارش با توجه به اینکه بازداشت مبلغ ودیعه مسکن مورد تقاضای بستانکار صرفنظر از عدم صحت ابلاغ بازداشت نامه منوط به تخلیه محل سکونت بدهکار و افراد تحت تکفل وی می باشد لذا بازداشت مبلغ مذکور بدین نحو مقدور نمی باشد این نظر وفق مقررات ابلاغ و در صورت وصول اعتراض ظرف مهلت مقرر در اجرای ماده ۱۶۹ آئین نامه اجرا مراتب جهت طرح موضوع در هیات محترم نظارت گزارش شود» چنانچه به نظریه مذکور معترض هستید اعتراض خود را ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ این نظریه به این اداره کتباً اعلام تاجهت طرح در هیات محترم نظارت گزارش شود. نهایتاً مراتب اعتراض طی لایحه به شرح ذیل تقدیم هیات گردید.

مدیر کل محترم ثبت اسناد و املاک استان تهران

با سلام و احترام

به استحضار میرساند خانم م.غ واحد بستانکار باستناد سند ازدواج شماره ۶۷۳۵ مورخ ۱۳۹۰/۰۶/۱۱ تنظیمی در دفترخانه ازدواج شماره ۲۹ شهرری و کفیل دفتر ازدواج ۳۲ شهرری جهت وصول مهریه استحقاقی خود به تعداد ۱۴ قطعه سکه طلا بهار آزادی از ۵۱۴ قطعه مقوم به مبلغ ۱۷۸/۹۶۶/۲۰۰ ریال (یکصد و هفتاد و هشت میلیون و نهصد و شصت و شش هزار و دویست ریال) اصل و مبلغ ۸/۹۴۸/۳۱۰ ریال نیم عشر اجرایی علیه آقای ر. گ مبادرت به صدور اجرائیه در تاریخ ۱۳۹۱/۰۷/۲۵ نموده که پرونده تحت کلاسه گ / ۹۱۰۱۴۹۵ در اداره پنجم اجرای اسناد رسمی تشکیل و اجرائیه در تاریخ ۱۳۹۱/۰۸/۰۷ به مشارالیه ابلاغ گردید. سپس وکیل بستانکار طی لایحه وارده ۱۵۸۶۹۳ مورخ ۹۱/۸/۲۱ درخواست بازداشت ودیعه منزل به مبلغ هشتاد میلیون ریال نزد موجر (آقای سید غ. ع) را نمود که مراتب بازداشت ارسال ولی بعلت عدم حضور موجر ابلاغ واقعی میسر نگردید. سپس مدیون طی نامه وارده شماره ۱۵۱۰۰۷۰ مورخ ۹۱/۰۹/۱۸ با استناد به این موضوع که تمام دارایی اینجانب پول پیش پرداختی است که به موجودی ام و اگر به همسر اینجانب پرداخت گردد لذا صاحب خانم اقدام به بیرون کردن من از خانه میکند و جایی برای زندگی و وسایل زندگی ام ندارم به همین خاطر به توقیف پول پیش پرداختی ام اعتراض دارم و مستثنیات دین محسوب میشود و تقاضای لغو توقیف مذکور را نمود. مراتب به معاونت محترم اجرا گزارش و ایشان اینچنین اظهار نظر نمودند: «در خصوص مورد گزارش با توجه به اینکه بازداشت مبلغ ودیعه مسکن مورد تقاضای بستانکار صرفنظر از عدم صحت ابلاغ بازداشت نامه منوط به تخلیه محل سکونت بدهکار و افراد تحت تکفل وی میباشد لذا بازداشت مبلغ مذکور بدین نحو مقدور نمی باشد. این نظر وفق مقررات ابلاغ و در صورت وصول اعتراض ظرف مهلت مقرر در اجرای ماده ۱۶۹ آئین نامه اجرا مراتب جهت طرح موضوع در هیات محترم نظارت گزارش شود. (۱۳۹۱/۱۰/۰۹) مراتب به وکلای بستانکار و مدیون ابلاغ و داخل در مهلت مقرر وکیل بستانکار با استناد به این موضوع که استدلال معاونت اجرا کاملاً غیر حقوقی و غیر منطقی است با این توضیح که مبلغ مورد ودیعه منوط به تخلیه محل سکونت بدهکار و افراد تحت تکفل وی بوده است لذا بازداشت را مقدور ندانسته لذا با دلایل ذیل به نظریه معاونت اجرا اعتراض نمود.

- ۱- بدهکار صرفاً به مستثنیات دین بودن مبلغ ودیعه اشاره نموده لیکن معاونت محترم اجرا خارج از خواسته مشارالیه اتخاذ تصمیم نموده.
- ۲- در نظریه فوق بازداشت مبلغ ودیعه مسکن را منوط به تخلیه محل سکونت بدهکار لحاظ نموده صرفنظر از اینکه این استدلال به هیچ وجه دلیل بر رفع بازداشت نمی باشد، مطابق رویه موجود در ثبت و دادگاه پس از وصول ودیعه توسط ثبت اجازه دستور تخلیه نیز صادر میگردد.
- ۳- ودیعه وجهی است که بدهکار نزد ثالث دارد و مطابق مقررات ثبتی توقیف نزد شخص ثالث نیز در قانون پیش بینی شده است.
- ۴- رابطه بدهکار و بستانکار رابطه زوجیت بوده و بستانکار افراد تحت تکلف دیگری نداشته است. ۵- مقررات اجرای اسناد رسمی و ماده ۵۲۴ قانون آئین دادرسی مدنی موارد مستثنیات دین را صراحتاً مشخص و محرز دانسته و ودیعه مسکن از شمول مقررات ماده خارج می باشد. تبصره شمول مستثنیات دین حصری است نه تمثیلی ۶- پرداخت دین واجب است اگر قرار باشد بدهکار به هر وسیله ای از پرداخت دین استنکاف و اموال

خود را نیز از دسترس خارج نماید که دیگر عدالت تحقق نمی‌یابد. چرا که موکله ۵۰۰ سکه خود را در دادگاه اجرا و قصد توقیف دودستگاه خودروی زوج را داشته و که طبق استعلام موکله زوج چند روز قبل از اخذ نامه توقیف مبادرت به انتقال خودروی خود نموده است. لذا با عنایت به مطالب معنونه و اینکه معاونت اجرا سلیقه ای اعمال نظر نموده است و هیچ مستند قانونی نیز در نظریه خود ارائه ننموده تقاضای نقض نظریه معاونت اجرا را نموده است. حال خواهشمند است با عنایت به شرح فوق نسبت به طرح موضوع در هیات محترم نظارت اقدام و دستور صادره را امر به ابلاغ فرمائید ضمناً مستندات پرونده به پیوست ارسال می‌گردد.

که نهایتاً هیات با توجه به لایحه حکم به نقض نظریه معاونت داده و مراتب مجدداً جهت توقیف ودیعه به اجرا ابلاغ گردید متأسفانه دیگر ودیعه و مستاجر ای وجود ندارد و موجر ودیعه را به مشارالیه مسترد نمود و ایشان نیز تخلیه نموده است این یکی از هزار دغدغه، موجود در بحث مستثنیات دین است که رویه های متفاوتی اتخاذ شده است. البته در لایحه تقدیمی به هیات قبل از بررسی مصادیق مصرحه در قانون را حصری می‌دانستیم لیکن با نگرش به مبانی آن قطعاً می‌توان گفت مصادیق آن تمثیلی است اما به لحاظ عدم وجود نص خاص متأسفانه هر نهادی در برخورد با مستثنیات دین روش دوگانه ای را اتخاذ می‌نماید.

۱- رویه قضائی متفاوت در دادگاه (نمونه ای از یک رأی)

در این گفتار نیز یک نمونه از رأی دادگاه خانواده شعبه ۲۶۸ مجتمع قضائی تهران به استحضار رسانده می‌شود که با مطالعه این رأی بر خورد دو گانه دادگاه را نیز در بحث توقیف خودرو ملاحظه خواهید کرد.

در پرونده ای خانم م. د مهریه خود را به تعداد ۱۱۰۰ عدد سکه بهار آزادی مطالبه و پس از انجام تشریفات دادگاه مبادرت به صدور حکم محکومیت زوج آقای م. ح می‌نماید. پس از قطعیت دادنامه و درخواست اجرائیه و منقضی گشتن مهلت ۱۰ روزه زوجه پس از تشکیل پروند ای اجرائی با معرفی خودرو ۲۰۶ زوجه (تیپ ۲) مدل ۱۳۸۹ تقاضای توقیف خودروی مذکور را در قبال قسمتی از مهریه خود می‌نماید. دادگاه بدواً نسبت به توقیف خودرو دستور لازم را صادر و نهایتاً با استعلام از راهنمایی و رانندگی این خودرو توقیف می‌گردد. پس از توقیف خودرو جهت اقدامات اجرائی زوجه تقاضای توقیف فیزیکی خودروی مذکور را می‌نماید که دادگاه جهت توقیف فیزیکی ابتدا مراتب توقیف خودرو را به زوج ابلاغ می‌نماید زوج طی لایحه ای صرفاً با این مضمون که اینجانب کارمند بانک مرکزی می‌باشم و علیرغم اینکه با سرویس اداره بمحل کار خود میروم لیکن باتوجه به اینکه هر شخص حداقل میبایست یک خودرو راداشته باشد خودروی ۲۰۶ از حداقل خودروهایی روز ایران می‌باشد و اینجانب نهایتاً می‌بایست در روزهای تعطیل یک خودرو جهت رفت و آمد خود و بازدید و انجام صله رحم (اقوام) داشته باشم و در شان اینجانب نمی‌باشد که با توبوس یا مترو یا وسائل دیگر حمل و نقل عمومی به این امکان بروم لذا نظریه مراتب فوق تقاضای رفع توقیف از خودروی مذکور را دارم.

دادگاه با بررسی این لایحه و صرفاً با این استدلال که امروزه خودروهایی در حد پراید، ۲۰۶ و ۴۰۵ و پرشیا از خودرو های کم قیمت در ایران می‌باشد و هر ایرانی که حق داشتن یک مسکن را داشته باشد قطعاً می‌بایست یک ماشین را هم داشته باشد لذا به نظر خودرو مذکور از مستثنیات دین بوده و نهایتاً دستور رفع توقیف از خودرو را صادر می‌نماید؛ در این پرونده ملاحظه می‌نمایید که قاضی محترم شعبه با چه استدلالی حکم به رفع توقیف خودرو را صادر می‌نماید؛ این در حالی است که دقیقاً در پرونده ای دیگری از شعبه ۲۷۷ مجتمع قضائی شهید مفتاح تهران زوجه در قبال محکومیت زوج تقاضای توقیف خودرو پراید زوج را می‌نماید و پس از اطلاع زوج مشارالیه به مراتب توقیف به لحاظ اینکه این خودرو مستثنیات دین می‌باشد اعتراض می‌نماید، ریاست محترم شعبه با این استدلال که بند ۲ ماده ۵۲۴ ق. آ. د. م که بیان داشته وسیله نقلیه مورد نیاز و در این پرونده شغل زوج مهماندار هواپیما بوده و در واقع این وسیله نقلیه مورد نیاز مشارالیه نمی‌باشد و شغل وی هیچ ارتباطی با خودروی مذکور نداشته و ندارد و با توجه به ضرورت و وجوب پرداخت دین لذا مراتب اعتراض مورد تأیید نمی‌باشد و به مدیر محترم اجرای دستور داده می‌شود که عملیات اجرائی ادامه و خودرو با انجام مراحل کارشناس و قیمت گذاری از طریق مزایده به فروش رود با ملاحظه این دو پرونده دقیقاً نظریه متفاوت دو شعبه از محاکم تهران در تفسیر (وسیله مورد نیاز) بیان شد و با مذاقه در این دو نظر تفاوت و اعمال سلیقه شخصی محرز می‌باشد. که به نظر استدلال قاضی شعبه ۲۷۷ به قانون نزدیک تر و ملموس تر است.

۲- مشاوره های تلفنی

در این قسمت از بحث مشاوره های تلفنی که از طریق شماره تلفن ۱۲۹ (مرکز ارتباطات مردمی قوه قضائیه) در مواردی که در برخورد دوگانه دادگاه ها وجود دارد عیناً بیان می‌گردد که این تبادل نظرها قطعاً حکایت از تشتت آراء در رویه قضائی حاکم را در بر خواهد داشت.

۲-۱- فروش مستثنیات دین توسط بدهکار

سوال: اگر شخصی جهت فرار از دین بعد از صدور حکم اموال خود را به دیگری انتقال دهد. با وجود صدور حکم و با توجه به مستثنیات دین (خانه مسکونی یا وسیله نقلیه) را انتقال دهد عمل این شخص مطابق ماده ۴ قانون اجرای محکومیت های مالی قابل پیگیری است یا خیر؟

پاسخ: ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی منصرف از اموالی است که جزء مستثنیات دین احصاء گردیده و چنانچه محکومیت صرفاً دین باشد دادگاه مستثنیات را مشخص نموده باشد مصداق ماده موصوف نمی باشد تبصره ماده (۲) قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مؤید این مطلب است.

۲-۲- توقیف مستثنیات دین

سوال: به منظور استیفاء دیه از جانی می توان اموالی را که جزء مستثنیات دین است توقیف نمود؟ تشخیص این که مالی جزء مستثنیات است یا خیر به عهده اجرای احکام است یا دادگاه صادر کننده حکم؟

پاسخ: با توجه بمقررات قانون اجرای احکام مدنی محکوم له میتواند اموالی را که استیفاء محکوم به از آن مقدور باشد به دایره اجراء معرفی کند تشخیص این که مال معرفی شده از مستثنیات دین است بعهدده مدیر اجراست ولیکن هرگونه شکایت و اعتراض و رفع اشکال مربوط به اجرای حکم در دادگاهی رسیدگی می شود که حکم را صادر نموده است.

۲-۳- مستثنیات دین نبودن تراکتور و گاو آهن

آیا تراکتور و گاو آهن از مستثنیات دین است و نباید توقیف شود؟

با توجه به ماده ۶۳۰ قانون اصول محاکمات حقوقی که در ذیل درج می گردد:

ماده ۶۳۰: اشیای مبخشه ای که از مستثنیات دین است توقیف نمی شود.

- ۱- لباس و اشیا و اسبابی که برای ایفای حوائج ضروریه مدیون و خانواده او لازم است.
- ۲- آذوقه موجوده به قدر احتیاج یک ماهه مدیون و نفقه و کسوت اشخاص واجب النفقه.
- ۳- اسناد مدیون به استثنای کاغذهای قیمتی و سهام شرکت ها
- ۴- لباس رسمی و نیمه رسمی مدیون و هم چنین اسلحه و اسب اهل نظام
- ۵- اسباب و آلات زراعتی و حرفه ای و صنعتی که برای شغل مدیون لازم است و هم چنین ادواتی که برای زراعت لازم است.

در مورد سوال زیر:

یک دستگاه تراکتور و گاو آهن سه خیشی و سه عدد بشکه در حین اجرای قرار تامین خواسته بر حسب تقاضای خواهان از اموال خوانده توقیف شده و پس از صدور و قطعیت حکم محکومیت خوانده، خواهان درخواست کرده است که محکوم به از اموالی که توقیف شده است استیفاء گردد؛ آیا مفاد ماده ۶۳۰ قانون اصول محاکمات حقوقی در این مورد باید رعایت شود یا خیر؟

کمیسیون مشورتی آیین دادرسی مدنی اداره حقوقی در جلسه مورخ ۴۳/۱۲/۱۶ چنین اظهار نظر کرده است:

بند ۵ ماده ۶۳۰ قانون اصول محاکمات حقوقی ناظر به اسباب و ادوات زراعتی و حرفه ای و صنعتی است که وسیله منحصر ادامه شغل مدیون باشد و تراکتور و گاو آهن چنانچه وسیله منحصر کار مدیون نباشد از مستثنیات مذکور در ماده فوق محسوب نیست.

۲-۴- عدم امکان توقیف قسمتی از حقوق در اجرای قرار تامین

آیا در اجرای قرار تامین خواسته، می توان قسمتی از حقوق ماهانه و یا دستمزد خوانده را توقیف نمود؟

در مورد سوال فوق کمیسیون مشورتی آیین دادرسی مدنی اداره حقوقی در جلسه مورخ ۴۳/۹/۷ به شرح زیر به اکثریت اظهار نظر نموده و نظر اکثریت کمیسیون مذکور مورد تایید کمیسیون حقوق مدنی قرار گرفته است:

قرار تامین خواسته که بر طبق مقررات ماده ۲۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی صادر می شود اقدام موقتی به منظور تسهیل وصول طلب خواهان پس از صدور حکم و قطعیت آن می باشد و ترتیب اجرای قرار تامین هم در مواد ۲۴۰ الی ۲۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی پیش بینی شده و شامل توقیف مال از منقول و غیر منقول می باشد و چون در فصل قرار تامین و اجرای آن توقف حقوق ماهیانه یا دستمزد خوانده تصریح نگردیده و ماده ۶۶۱ قانون اصول محاکمات حقوقی هم ناظر به توقیف حقوق دیوانی مدیون می باشد و مقصود از مدیون کسی است که به موجب حکم قطعی مدیون بودن او ثابت گردد و قبول درخواست تامین و اجرای آن دلیل مدیون بودن خوانده نمی

باشد تا مقررات ماده ۶۶۱ از حیث توقیف حقوق ماهیانه بایستمدرد قابل اعمال باشد لذا توقیف حقوق ماهیانه بایستمدرد خوانده در مقام اجرای قرار تامین خواسته مجوزی ندارد.

نظر اقلیت کمیسیون مشورتی آیین دادرسی مدنی (آقایان دکتر خسرو گیتی و منصور مفیدی)

طبق ماده ۲۴۰ قانون آیین دادرسی مدنی «تامین عبارت است از توقیف اموال اعم از منقول و غیر منقول» و به موجب ماده ۲۰ قانون مدنی کلیه دیون از قبیل قرض و ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستاجر از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است و از جمله صلاحیت محاکم طبق ماده ۲۲۵ و ۲۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی صدور قرار تامین و اجرای آن با توقیف مال مدعی علیه نزد شخص ثالث است و بنابراین حقوق مستخدم که قابل پرداخت است به عنوان طلب او از اداره متبوعه اش در حکم مال منقول می باشد و به صراحت ماده ۲۶۶ مذکور قابل توقیف در مقام اجرای قرار تامین است منتهی چون به موجب ماده ۶۶۱ قانون اجرای احکام سه ربع حقوق دیوانی کارمند معیل یا صاحب اولاد و دو ثلث حقوقی کارمند بدون عیال و اولاد از مستثنیات دین محسوب می شود و مقصود از تامین اقدام احتیاطی برای استیفای طلب احتمالی خواهان از مال توقیف شده است.

و لذا در اجرای قرار تامین مستثنیات دین از توقیف مصون است در اجرای قرار تامین علیه مستخدم دولت نیز توقیف ربع (در صورتی که مدعی علیه معیل یا صاحب اولاد باشد) و یا ثلث حقوق او (در صورتی که مدعی علیه بدون عیال و اولاد باشد) نزد اداره به عنوان شخص ثالث موافق موارد مذکور که در بالا خواهد بود و اقدام دایره اجرا در اجرای ماده ۲۶۰ مذکور قبل از این که حقوق مدعی علیه قابل پرداخت باشد نیز اقدامی احتیاطی موافق با غرض اصلی از تامین خواسته و بلامانع است. در این ارتباط قابل ذکر است آنچه به عنوان نظریه اداره حقوقی مطرح شده است مربوط به سال ۱۳۴۳ می باشد. در صورتی که به موجب ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ به صراحت توقیف حقوق افراد را به میزان مشخص تجویز و مستثنیات آن را به موجب تبصره های ذیل آن تعیین، فلذا جای بحث را مرتفع ساخته است.

این دو بند که از نظریات حقوقی قبل از انقلاب به استحضار رسانده شد به این دلیل است که بیان گردد قبل از انقلاب نیز به لحاظ پراکندگی قانون تفاسیر مختلفی ارائه می گردید و قانونگذار بعد از انقلاب می توانست بابررسی این نظریات قانون جامع و کامل ترین راتدوین که از وجود و گزند این تفاسیر مصون باشد.

۳- نشست های قضایی

۳-۱- اجرای قرار تامین خواسته در خصوص اموال مشمول مستثنیات دین

قرار تامین خواسته در مورد اموالی که جزو مستثنیات دین است قابل اجراست یا خیر؟ بعبارت دیگر مستثنیات دین قابل توصیف است یا خیر؟^۱

نظر اکثریت:

بله قابل توصیف است زیرا:

۱- ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی اشاره میکند که تامین مال که منتهی ب فروش آن شود رعایت مستثنیات دین ضروری است این امر حاکی از این است که ابتدا مال توقیف میشود، در زمان اجرای حکم بمستثنی بودن آن توجه میشود

۲- ماده ۱۲۷ همین قانون محصول املاک را قابل توقیف نمی داند زیرا که می تواند آذوقه باشد که جزو مستثنیات دین است ولی قانونگذار آن را قابل توقیف می داند.

۳- ماده ۵۲۳ قانون مرقوم اجرای رای از مستثنیات دین را ممنوعه می داند و آن زمانی است که رای دادگاه در مقام اجرا باشد و قرار تامین خواسته و توقیف یک امر احتیاطی است و قبل از اجرا صورت می پذیرد.

۴- ماده ۵۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی رسیدگی به اختلافات مربوط به شئون عرفی در مستثنیات دین را به عهده دادگاه صادر کننده حکم لازم الاجرا دانسته و قبل از آن رسیدگی به این که موضوع جز مستثنیات دین است یا خیر ممکن نیست بلکه اجرای احکام باید تمام اموال تعرفه شده را با رعایت قانون اجرای احکام مدنی توقیف کند و این اموال تا زمان صدور حکم در توقیف بماند و در زمان اجراء به این موارد رسیدگی شود.

۵- به موجب ماده ۶۲ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء سرقفلی با این که قابل توقیف است قابل فروش نیست لهذا اگر چه ممکن است مستثنیات دین قابل فروش نهایی نباشد ولی قابل توقیف است.

۶- ماده ۶۵ قانون اجرای حکم مدنی نیز در اجرای حکم پیش بینی شده نه تامین خواسته.

۱ - مجموعه نشست های قضایی (مسائل آیین دادرسی مدنی ۲)، معاونت آموزش قوه قضائیه، ج ۳، نشر قضا، ص ۱۰۴۲

۷- ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی مدنی مستثنیات دین را مورد استرداد عین قابل اجراء نمی داند.

نظر اقلیت

خیر قابل توقیف نیست زیرا:

۱- ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی اشاره میکند که در صورتی که تامین منتهی به فرش شود رعایت مستثنیات لازم است یعنی توقیف انجام میپذیرد به علاوه چنین توقیفی فایده ندارد زیرا در نهایت منتهی به فروش نمی شود.

۲- ماده ۱۲۶ قانون مرقوم اجرای تامین خواسته را مانع اجرای احکام مدنی میداند و مستثنیات دین را قابل توقف نمیداند.

۳- ماده ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی نیز مستثنیات دین را قابل توقیف نمی داند لذا قابل توقیف است.

نظر کمیسیون

نشست قضائی مدنی: ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مقرر داشته: «در کلیه مواردی که تامین مال منتهی به فروش آن شود رعایت مقررات مستثنیات دین الزامی است».

همچنین به موجب ماده ۵۲۳ همان قانون در کلیه مواردی که رای دادگاه برای وصول دین به موقع اجرا گذاشته می شود اجرای رای از مستثنیات دین اموال محکوم علیه ممنوع است و چون صدور قرار تامین خواسته به این منظور است که در صورت صدور حکم محکومیت خوانده اموال تامین شده به فروش برسد تا محکوم له بتواند استیفای حق کند، با عنایت به این که بر طبق ماده ۶۵ قانون اجرای احکام توقیف مستثنیات دین برای اجرای حکم منع قانونی دارد در اجرای قرار تامین خواسته نیز مستثنیات دین قابل توقیف نیست. همین نظریه با رویکرد دیگری نیز بیان شده است که آیا در هنگام اجرای قرار تامین خواسته راجع به توقیف اموال رعایت مقررات مستثنیات دین با توجه به مواد ۱۲۹ و ۵۲۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در مورد امور مدنی الزام آور است؟

نظر اکثریت

باتوجه به این که طبق ماده ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی و ماده ۵۲۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی جهت اجرای حکم امکان توقیف اموال جزو مستثنیات دین فراهم نبوده و همچنین هدف از اجرای قرار تامین خواسته توقیف اموال جهت اجرای حکم بوده، با توجه به قاعده لاعسر ولا حرج فی الاسلام به قیاس اولویت امکان توقیف اموال جزو مستثنیات دین در اجرای قرار تامین خواسته وجود ندارد.

نظر اقلیت

با توجه به ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی و نظر به این که تامین خواسته یک اقدام احتیاطی است و به احتمال اموال تامینی به فروش نرسد و با عنایت به فوریت اجرای قرار تامین خواسته، رعایت مستثنیات دین در اجرای این قرار لازم نبوده است و در صورتی که تامین خواسته در مرحله اجرای حکم منتهی به فروش شود اموال جزو مستثنیات دین قابل فروش نخواهد بود.

نظر کمیسیون

نشست قضایی مدنی: با توجه به این که تامین خواسته از مستثنیات دین مستلزم توقیف چنین اموالی است که ثمره آن اخلال در زندگی متعارف و روزمره خوانده است و نظریه اینکه ماده ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی در بندهای (۱) الی (۴) خود اموالی را حتی پس از صدور حکم قطعی و در مقام اجرا از توقیف منع و مجزا کرده است و این امر در حالی است که حق محکوم له به ثبوت رسیده و مسلم شناخته شده است به طریق اولی مادام که خواهان در مقام ادعا قرار دارد نمی توان اموال مذکور (یعنی مستثنیات دین) را مورد تعرض قرار داده و آن را تامین و توقیف کرد با این وصف نظر اکثریت مورد تایید است.

۲-۳- گذشت محکوم علیه از حق مقرر در ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی

قراردادی بین دوشخص منعقد شده است که در صورت بروز اختلاف بین طرفین و محکوم شدن یکی از آنها در قبال دیگری وعدم دستیابی به اموال محکوم علیه، محکوم له مجاز باشد که محکوم به را از مستثنیات دین محکوم علیه استیفا کند. باین فرض و در صورت محکومیت یکی از طرفین قرارداد، اگر نامبرده مالی غیر از مستثنیات دین نداشته باشد محکوم له نیز درخواست استیفای محکوم به از مستثنیات دین را با استناد به قرارداد مذکور کرده باشد، آیا درخواست محکوم له از طرف دادگاه یا اجرای احکام قابل پذیرش است یا خیر؟

نظر اکثریت

نظر به این که مطابق ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی استیفای محکوم به از مستثنیات دین جایز نیست و نظر به این که مقررات آیین دادرسی مدنی و از جمله ماده ۵۲۴ از مقررات آمره است که توافق برخلاف آن جایز نیست و با توجه به اینکه مطابق مواد ۱۰ و ۹۵۷ قانون مدنی قراردادهای خصوصی افراد در صورت تعارض با نظم عمومی یا اخلاق حسنه قابل ترتیب اثر نیست و با عنایت به این که

قرارداد محکوم علیه با محکوم له نیز برخلاف قواعد آمره و نظم عمومی و اخلاق حسنه و همچنین به ضرر اشخاص ثالث یعنی خانواده تحت تکفل مدیون منعقد گردیده و مغایر با مواد ۱۰ و ۹۵۷ قانون مدنی و ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی است فلذا چنین قراردادی در مرجع قضایی قابل ترتیب اثر نبوده و درخواست محکوم له قابل پذیرش نیست. قیاس این مورد با عقد رهن منعقد بین داین و مدیون که در آن نسبت به اموال مرهونه حق عینی برای مرتهن (داین) ایجاد می‌شود، قیاس مع الفارق است. یادآوری این نکته نیز لازم ذکر است که اگر خود محکوم علیه، محکوم به را از مستثنیات دین خود پرداخت کند، جایز است.

نظر اقلیت

اگر چه مطابق ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی استیفای محکوم به از مستثنیات دین محکوم علیه جایز نیست و رعایت این مساله برای مراجع قضایی هم لازم است لیکن در موردی که قراردادی بین محکوم له و محکوم علیه دال بر استیفای محکوم به از مستثنیات دین وجود دارد، دلیلی بر بطلان یا عدم اجرای قرارداد مزبور وجود ندارد. زیرا اولاً محکوم علیه مطابق قاعده به ضرر خویش اقدام کرده است و ثانیاً اصل صحت و اصل لزوم بر قرارداد مزبور حاکم است و ثالثاً قرار مزبور نه با ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی و نه با مواد ۱۰ و ۹۵۷ قانون مدنی هیچ مغایرتی ندارد. زیرا قراردادی که طبق آن مدیون محکوم علیه، دین خود را به داین خود از اموال مستثنای دین تادیه می کند نه تنها با نظم عمومی و اخلاق حسنه مغایرتی ندارد بلکه کاملاً موافق نظم عمومی و اخلاق حسنه است چرا که نپرداختن دین و عدم تادیه حق طلبکار مغایر اخلاق حسنه و نظم عمومی است نه تادیه آن. مضافاً این که روایت نبوی «لایحل مال امرء مسلم الا بطیب نفسه» و قاعده تسلیط به این قرارداد نیز حاکم است و مطابق ماده ۳۰ قانون مدنی هر مالکی نسبت به مایملک خود حق هر گونه تصرف و انتفاع را دارد و مستثنیات دین اطلاق این احکام خارج نیست. در مورد اشخاص واجب النفعه محکوم علیه نیز باید توجه داشت که آنها فقط حق مطالبه نفقه از محکوم علیه را دارند و حقی نسبت به اموال نامبرده ندارند. قرارداد متنازع فیه نیز مغایر ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی نیست زیرا در ماده یاد شده و مقررات قانون دیگر، تادیه دین و مستثنیات دین توسط خود محکوم علیه منع نشده است فلذا درخواست محکوم له قابل پذیرش است.

نظر کمیسیون

نشست قضائی مدنی: فلسفه تدوین ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی، براساس رعایت نیاز شخصی افراد به مسکن و رعایت شئون اجتماعی محکوم علیه است. حال اگر محکوم علیه به موجب قراردادی با در نظر گرفتن نفع خود به داین چنین اجازه ای داده باشد که در صورت عدم پرداخت دین حق دارد از مستثنیات دین استفاده کند این قرارداد لازم الوفاء بوده و با مقررات ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی در تعارض نیست زیرا محکوم علیه برای پیشرفت کارش و احیاناً وجه مورد نیاز از حق مقرر در ماده ۵۲۴ قانون مذکور گذشت کرده و محکوم له به لحاظ همین قرارداد حاضر به دادن وام به وی شده و در واقع با این قرارداد محکوم علیه از حق مستثنیات دین صرف نظر کرده و اگر معتقد باشیم که قرارداد با قانون آمره مقرر در ماده ۵۲۴ قانون مزبور منافات دارد به این معناست که به مالک مستثنیات دین که فردی عاقل و بالغ و رشید است اجازه تصرف در مالش داده نشود و این استدلال مخالف حاکمیت اراده و تسلط صاحب مال بر مال خودش است.

۳-۳- ذکر شئون عرفی مواد ۵۲۴ و ۵۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی

سوال ۴: در خصوص مستثنیات دین، مراد از شئون عرفی موضوع مواد ۵۲۴ و ۵۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی چیست؟
اتفاق نظر

شئون عرفی، ملاک خاصی در شرع و قانون نداشته بلکه به اقتضای زمان و مکان و افراد متفاوت است. در باب مستثنیات دین تشخیص با دادگاه است. البته بعضی ملاک ها را می توان به عنوان ملاک معرفی بیان کرد مثل تعجب، ملامت، تأثر عرفی و مانند اینها.

نظر کمیسیون

نشست قضائی (قم): ضمن تایید اتفاق نظر، طبقه اجتماعی از حیث موقعیت شغلی، موقعیت اجتماعی، منزلت خانوادگی و مواردی است که باید در مساله شئون مورد توجه واقع شود.

۳-۴- مقررات راجع به توقیف اموال و مستثنیات دین

در صورت ادعای خواننده یا محکوم علیه مبنی بر این که مال توقیف شده جزو مستثنیات دین است، تکلیف چیست؟
اتفاق نظر

واحد اجرای احکام که تحت نظارت دادگاه بدوی صادر کننده حکم، انجام وظیفه می کند در توقیف اموال خواننده یا محکوم علیه مقررات قانون اجرای احکام مدنی به ویژه ماده ۶۵ آن و ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی را رعایت خواهد کرد و در صورتی که مال

معرفی شده جزو مستثنیات دین باشد توقیف نمی شود و تشخیص این امر بدوا با متصدی اجراست که به نحو مقتضی وضعیت مال مزبور را از حیث شمول مواد فوق احراز کند. ولی در صورت بروز اختلاف نسبت به وضعیت مال توقیفی بین طرفین دعوا وفق ماده ۵۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی رسیدگی و تشخیص واقع بر عهده دادگاه صادر کننده حکم لازم الاجراء است و نظر دادگاه ملاک عمل خواهد بود.

نظر کمیسیون

نشست قضایی مدنی: در صورت ادعای محکوم علیه یا کسی که خوانده قرار تامین خواسته بوده مبنی بر این که مال توقیف شده از مستثنیات دین است و عدم قبول این امر از سوی محکوم له یا خواهان قرار تامین خواسته، مطابق ماده ۵۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ و نیز مقررات قانون اجرای احکام مدنی در باب توقیف اموال و ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۷۹ به موضوع مورد اختلاف در دادگاه صادر کننده اجراییه یا قرار تامین خواسته رسیدگی می شود و تشخیص دادگاه در آن خصوص لازم الاجرا و ملاک عمل خواهد بود. امر مستثنیات دین تا زمان حیات محکوم علیه جاری است.

۵-۳- عدم اجرای حکم از مستثنیات دین

شخصی محکوم به پرداخت مبلغی به دیگری شده و برای استیفای محکوم به، اموال وی توقیف و از طریق مزایده به فروش رفته است. بعد از انجام مزایده و صدور دستور قطعی دادگاه جهت تملیک مال مورد مزایده به برنده مزایده، محکوم علیه مدعی شده که اموال مورد مزایده جزو مستثنیات دین است. آیا رسیدگی به ادعای محکوم علیه در این مرحله از اجرای حکم امکان پذیر است یا خیر؟

نظر اکثریت:

نظربه این که مستثنیات دین قابل توقیف نبوده و استیفای محکوم به از مستثنیات دین جایز نیست و قواعد مربوط به آن نیز از جمله قواعد آمره است و نظربه این که قانون مدتی را برای اعلام مستثنیات دین و یا برای اعتراض به توقیف و فروش آن مقرر نکرده است و در صورت احراز توقیف شدن اموال مستثنی از توقیف، اشکال اجرایی پیش می آید که دادگاه باید طبق ماده ۲۵ قانون اجرای احکام مدنی آن را رفع کند و با عنایت به این که دستور تملیک صادره از طرف دادگاه بعد از احراز صحت جریان مزایده طبق ماده ۱۴۳ قانون مذکور، صرفا یک دستور قضایی است و مشمول قاعده فراغ دادرسی نیست، به این جهت نیز از طرف دادگاه قابل عدول است فلذا پاسخ سوال مطروحه مثبت است و دادگاه باید به درخواست محکوم علیه رسیدگی کند و در صورت احراز صحت آن دستور اعاده عملیات اجرایی را صادر و از دستور تملیک نیز عدول کند.

نظر اقلیت

گروه اول: با توجه به این که محکوم علیه طبق مواد ۷۰ و ۱۰۵ قانون اجرای احکام مدنی هر گونه اعتراض خود را نسبت به توقیف اموال باید ظرف یک هفته از تاریخ صورت برداری یا اطلاع از آن اعلام کند و با عنایت به این که در سوال مطروحه، محکوم علیه در ظرف یک هفته مذکور اعتراض خود را اعلام نکرده، لذا اعتراض بعدی وی مسموع نیست و عملیات اجرایی ادامه می یابد.

گروه دوم: با توجه به این که در سوال مطروحه عملیات اجرایی ادامه یافته و دادگاه نیز دستور قطعی تملیک ملک یا مال مورد مزایده را صادر کرده است در واقع عملیات اجرایی با دستور تملیک دادگاه خاتمه یافته است و بعد از دستور دادگاه، مال مورد مزایده متعلق به خریدار است و برای استرداد آن به جهت مستثنیات دین بودن محکوم علیه باید با تقدیم دادخواست، درخواست ابطال عملیات اجرایی و استرداد مال مورد مزایده را بخواهد که به عقیده اینجانب این نظر صائب تر می باشد.

نظر کمیسیون

نشست قضایی مدنی: ماده ۵۲۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب مقرر می دارد: «در کلیه مواردی که رای دادگاه برای وصول دین به موقع اجرا گذارده می شود اجرای رای از مستثنیات دین ممنوع است.»

در ماده ۶۹ قانون اجرای احکام حقوقی اموالی که در اجرای حکم، توقیف نمی شود احصا شده است. بنا به مراتب و با توجه به مقررات مواد ۲۵ و ۲۶ قانون اجرای احکام اگر محکوم علیه مدعی شد که اموال مورد مزایده جزو مستثنیات دین است رسیدگی با دادگاه بوده و رفع اشکال و اختلاف می کند. در صورت احراز صحت ادعای محکوم علیه دادگاه می تواند از دستور تملیک عدول کند.

۶-۳- دامنه شمول مستثنیات دین در مورد توقیف وسایل و ابزار کار شغل دوم

با توجه به ذیل بند (و) ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی، اگر شخصی دو شغل داشته باشد ابزار و وسایل کار شغل دوم وی قابل توقیف است یا خیر؟

اتفاق نظر

با توجه به این که ذیل بند مرقوم در ماده ۵۲۴ صراحت دارد: «که ابزار کار کسبه ... که وسیله امرار معاش محکوم علیه و افراد تحت تکفل می باشد قابل توقیف نیست» و هیچ اشاره ای به این که محکوم علیه یک شغل یا دو شغل یا بیشتر داشته باشد، ندارد همین که از ابزار کار بود قابل توقیف نیست.

نظر کمیسیون

نشست قضایی (۱) جزایی مطابق بند (و) از ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی وسایل و ابزار کار کسبه و پیشه وران و کشاورزان و سایر اشخاصی که وسیله امرار معاش محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی هستند. علی الاطلاق از مستثنیات دین محکوم علیه بوده، اجرای رای نسبت به آن ممنوع است. چون با توجه به مقتضیات اجتماعی و اقتصادی نسبت به اشخاصی که صاحب مشاغل متعدد هستند قانونگذار در مورد مشاغل آزاد در خصوص مستثنیات دین محدودیت و ممنوعیت قایل نشده، در صورت احراز مشاغل آزاد در خصوص مستثنیات دین محدودیت و ممنوعیتی قایل نشده، در صورت احراز اشتغال محکوم علیه در جهت اجرای حکم نمی توان وسایل و ابزار کار محکوم علیه را (گرچه شغل دوم محکوم علیه باشد) توقیف کرد. بنابراین، اتفاق نظر قضات دادگستری تایید می شود.

۷-۳- شمول مستثنیات دین نسبت به خط تلفن

آیا براساس ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی تلفن جزو مستثنیات دین محسوب می شود یا خیر؟

نظر اکثریت

مستثنیات دین در ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی احصا شده است و ذکر از تلفن به میان نیامده است و احتساب آن به عنوان جزء از مستثنیات دین، خلاف نظر قانونگذار است مضافاً به این که طبق فتوای برخی از مراجع عظام «آیت ... نوری همدانی» احتیاط و شان و حداقل را باید در نظر گرفت.

نظر اقلیت: براساس فتوای آیات عظام سیستانی، صافی گلپایگانی، فاضل لنکرانی، مکارم که از ایشان سوال شده: «آیا تلفن و ماشین جزء مستثنیات دین محسوب می شوند یا خیر؟ در پاسخ مرقوم داشته اند: اگر مطابق شان شخصی باشد به طوری که بدون اینها به عسر و حرج می افتد از مستثنیات دین محسوب می شود و از طرفی طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی در مواردی که قانون ساکت است، می باید به فتاوی معتبر مراجعه کرد مضافاً به این که بند (و) ماده ۶۹ الحاقی ۱۳۶۰ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی، وسایل دیگر مورد نیاز مدیون و افراد تحت تکفل او از قبیل تلفن و وسیله رفت و آمد معمولی و نظایر آن را جزو مستثنیات دین به شمار آورده است، تلفن را نیز می توان از مستثنیات قلمداد کرد.

نظر کمیسیون

نشست قضایی: یک خط تلفن از ضروریات زندگی و جزو مستثنیات دین به شمار می رود.

نتیجه گیری

با بررسی نظرات قضائی مرتبط و مشاوره های تلفنی و رویه های قضائی دادگاه قطعاً به این نتیجه خواهیم رسید که مستثنیات دین در قوانین موضوعه ایران تحولات قابل توجهی را پشت سر نهاده که این تحولات عمدتاً در جهت توسعه یا تضییق محدود و مصادیق آن بوده است در صورتی که اگر مبنای فقهی مستثنیات مشخص می گردید و این امر در قانون صراحتاً ذکر می شود و ملاک تشخیص آن نیز صراحتاً به عهده قاضی عادل واگذار می گردید. و در صورت اعتراض نیز قاضی محترم کاملاً و با استدلال و انجام تحقیقات دلیل قضائی خود را در نظریه ای به اجرا اعلان می نمود بنظر جای این شک و تردید و دوگانگی رفتار در دادگاهها را چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن شاهد نبودیم.

منابع و مراجع

- [۱] اسکینی/ربیعاً، ۷۵/حقوق تجارت وورشکستگی و تصفیه امورورشکسته/قم انتشارات سمت/ص ۱۳/۱۳/۱۳۷۸ ش، حقوق تجارت، تهران انتشارات سمت، ص ۱۳.
- [۲] اسماعیلی هریسی، ابراهیم، ۱۳۸۳ ش، حقوق مالکین آپارتمان ها، نشر دادگستر، ص ۱۶۷
- [۳] امامی، سید حسن، ۱۳۶۸ ش، حقوق مدنی، تهران نشر اسلامی، ج ۲، ص ۲۰۵
- [۴] جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۶۳ ش، دایره المعارف علوم اسلامی (قضایی)، تهران گنج دانش، ج ۱، ص ۶۱۵ - ۲۹ ل
- [۵] ۱۳۶۹ ش، حقوق تعهدات، دانشگاه تهران، ج ۱ ص ۶۸-۳۰-۱۳۸۲ ش، ترمینولوژی حقوق، تهراج گنج دانش، ج ۱، ص ۷۴۱.
- [۶] حائری، سید علی، ۱۳۸۰ ش، شرح قانون مدنی، تهران گنج دانش، ج ۱، ص ۹
- [۷] حسینی نژاد، حسینیقلی، ۱۳۷۰ ش، مسئولیت مدنی، جهاد دانشگاهی تهران، ج ۱، ص ۹۷
- [۸] ستوده تهرانی، حسن، ۱۳۷۴ ش، حقوق تجارت، نشر دادگستری، ج ۱، ص ۲۱.
- [۹] شمس، عبدالله، ۱۳۸۰ ش، آیین دادرسی مدنی، نشر میزان، ج ۱، ص ۹۲
- [۱۰] شهری، غلامرضا، ۱۳۷۱ ش. حقوق ثبت و اسناد و املاک، جهاد دانشگاهی، ص ۳۶۰ - ۵۸ - ۱۳۸۱ ش، مجموعه قوانین و مقررات، روزنامه رسمی.
- [۱۱] صفری، منصور، بی تا، حقوق تجارت، بی جا، ص ۳۵
- [۱۲] کاتبی، حسینیقلی، ۱۳۷۶ ش، حقوق تجارت، تهران گنج دانش، ص ۲۹۳
- [۱۳] آخوند خراسانی، محمد کاظم، ۱۴۰۹ ق، کفایه الاصول، قم موسسه آل بیت.
- [۱۴] ابن ادريس، ابوجعفر محمد بن منصور، ۱۴۱۰ ق، السرائر، قم نشر اسلامی، ص ۳۷
- [۱۵] ابن حنبل، احمد، (ترجمه علی نصیری)، ۱۳۸۷ ش، مسند ابن حنبل، قم تبیان، ج ۵، ص ۱۲۶.
- [۱۶] ابن داود، ۱۳۸۷ ش، سنن ابن داود، قسم موسسه تبیان.
- [۱۷] ابن زهره، حمزه بن علی، بی تا، غنیه النزوع (درضمن سلسله الینابیع الفقهیه)، قم موسسه الامام صادق، ج ۱۵، ص ۱۹۱.
- [۱۸] ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق. لسان العرب، بیروت دارالفکر، ج ۶، ص ۱۶۶.
- [۱۹] اردبیلی، مولا احمد، بی تا، زبده البیان فی احکام القرآن، تهران مکتب المرتضویه، ص ۴۸۹.
- [۲۰] راغب، ابوالقاسم حسین بن محمد، ۱۴۰۴ ق، المفردات فی غریب القرآن، نشر کتاب، ۴۳-۱۴۱۲ ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت دار القلم الدار شامیه.
- [۲۱] زحیلی، وهبه، ۱۴۲۳ ق، المعاملات المالیه المعاصره، دمشق دارالفکر، ج ۱، ص ۱۹۱
- [۲۲] زکریا، احمد بن فارسی، بی تا، مقایس اللغه، قم اسماعیلیان، ج ۲، ص ۳۲۰ - ۴۶ - ۱۳۶۱ ش، معج مقایس الغه، قم، مکتب الاعلام السلامی، ج ۱، ص ۳۹۲.
- [۲۳] سیستانی، سید علی، ۱۴۱۶ ق، منهاج الصالحین، قم، ص ۲.
- [۲۴] انجیل متی ترجمه از زبان یونانی، ۱۹۷۹ م، بیروت، سوره ۲۶، آیات ۱۴ تا ۴۱.
- [۲۵] امینی، معصومه، ۱۳۹۲ ش، مستثنیات از نظر فقهی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- [۲۶] صانعی، پرویز (ترجمه)، ۱۳۴۹ ش، مقدمه ماتیکان هزار دستان، مجله حقوق، ش ۲۹.
- [۲۷] علی دوست، ابوالقاسم، ۱۳۸۱ ش، فقه عقل، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص ۱۹۱.